

بسم الله الرحمن الرحيم

## آلمان و استراتژی امنیت ملی آن

(ترجمه)

### پرسش:

حکومت آلمان به تاریخ 14 جون 2023م، برای نخستین بار از زمان پایان جنگ جهانی دوم، یک استراتژی ملی را برای امنیت ملی آلمان تصویب نمود. این استراتژی پس از گذشت بیشتر از یک سال گفتگو میان جریان‌های مختلف آلمان تصویب می‌شود.

پرسش این است که آیا این استراتژی بیان‌گر پایان محدودیت‌هایی است که بعد از شکست آلمان در سال 1945م در جنگ دوم جهانی علیه آن اعمال گردید؟ و این که اینک پس از تصویب این استراتژی انتظار می‌رود آلمان در سیاست اروپا و جهان چه نقشی بازی نماید؟

### پاسخ:

آلمان به عنوان دولت شکست‌خورده در جنگ جهانی دوم به چهار قسمت تقسیم گردید و هریک از این قسمت‌ها زیر تسلط یکی از دولت‌های بزرگ و پیروز در جنگ مذکور قرار گرفت (امریکا، اتحاد جماهیر شوروی، بریتانیا و فرانسه). سپس دولت‌های سه‌گانه غربی اقدام به تأسیس آلمان غربی نمودند و روسیه، آلمان شرقی را تأسیس نمود. برای معلومات بیشتر باید گفت که آلمان غربی به عنوان دولت وابسته به امریکا و آلمان شرقی به عنوان دولت وابسته به اتحاد جماهیر شوروی (روسیه) در حرکت بود و به این ترتیب، آلمان شرقی نقش پایگاه نظامی پیش‌رفته اتحاد جماهیر شوروی را در برابر غرب بازی می‌کرد و آلمان غربی نقش پایگاه نظامی غربی را در برابر شرق. این واقعیت پس از جنگ جهانی دوم بود؛ اما رفته رفته و به تدریج تغییر نمود؛ طوری که:

1. به استثنای برخی امور ظاهری، هیچ یک از دو دولت آلمان سیاست مستقلی از نظم عام "رهبر پایگاه" نداشت. این واقعیت هم‌چنان ادامه داشت تا آن‌که اتحاد جماهیر شوروی ضعیف شد و در سال 1990م با وحدت آلمان موافقت نمود؛ به این معنا که مسکو آلمان شرقی را به نفع غرب واگذار شد. امضای معاهده ماستریخت در سال 1992م برای وحدت اروپا بر خلاف میل امریکا و تمرکز روسیه بالای مشکلات داخلی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991م به آلمان فرصت داد تا به عنوان قدرت مهم اقتصادی در اروپا عرض وجود نماید. آلمان‌ها متوجه شدند که شرایط جهانی تغییر نموده و فرصت خوبی برای استحکام بخش اقتصادی به عنوان یک پایه اصلی برای استقلال آلمان فراهم گردیده است. بناءً آلمان به عنوان یک قدرت اقتصادی ظاهر گردید که با سایر قدرت‌های اروپایی به رقابت پرداخت؛ البته بدون این که قدرت‌های اروپایی دیگر اعم از؛ انگلیس و فرانسه و قدرت‌های جهانی مانند روسیه و امریکا را تحریک نماید؛ به ویژه این که آلمان در سیاست دفاعی، به کم‌ترین حد نظامی‌سازی پایبند ماند.

2. آلمان با موفقیت‌هایی که در عرصه اقتصادی و صنعتی به دست آورد و نیز با گسترش روابط تجارتي‌اش با روسیه، توانست رهبری اقتصادی دولت‌های اروپایی را در دست گیرد، این رهبری آلمان به عنوان یک واقعیت موجود اعمال می‌شد که به عنوان نمونه

می‌توان از بحران اقتصادی یونان در سال 2010م یاد نمود. خلاصه این که هیچ مسأله بزرگ اقتصادی را در داخل اروپا و یا در روابط خارجی نمی‌توان بدون آلمان فیصله نمود.

هرچند این واقعیت آلمان برای سایر دولت‌های اروپایی مخصوصاً فرانسه چندان خوش آیند نبود، اما ضعف نظامی آلمان همواره به فرانسه امید می‌داد که رقابت میان این دو دولت هنوز در چهارچوب ریاضیکی خوبی قرار دارد و باید ادامه داد. آلمان در آن دوره‌ها، موقف‌اش را در برابر چالش‌های امنیتی با صدور کتاب‌های سفید از وزارت دفاع خود انعکاس می‌داد؛ کتاب‌هایی که نخستین آن در سال 1969م و آخرین آن در سال 2016م منتشر گردید. اما آلمان در این کتاب‌ها از امنیت، تروریسم و تمایل به مشارکت از طریق سازمان ملل سخن می‌گفت. زمانی که روسیه در سال 2014م اقدام به جداکردن جزیره کریمیه از اوکراین و ملحق کردن آن به خود نمود، آلمان به شدت با این کار مخالفت ورزید و در تحریم‌های غرب علیه روسیه مشارکت نمود؛ اما منافع تجارتهای عظیمی که با روسیه داشت، به آن اجازه نمی‌داد رهبری هیچ اقدامی را علیه روسیه در دست گیرد. هرچند گفته می‌شد که روسیه معادله امنیت اروپا را از طریق ملحق نمودن جزیره کریمیه به خود مختل خواهد کرد؛ اما دخیل بودن آلمان در توافق‌نامه‌های مینسک به آلمان‌ها این امیدواری را می‌داد که بتوانند خطرهای روسیه فراتر از مرزهای کریمیه و منطقه دونباس را متوقف نمایند؛ مناطقی که روسیه آتش جنگ را در آن بر افروخت و جدایی طلبان روس را علیه حکومت اوکراین حمایت نمود.

3. اما با آغاز جنگ اوکراین در سال 2022م توسط روسیه و مطمئن شدن آمریکا به این که روسیه قصد دارد زیربنای امنیت جهانی را که آمریکا ساخته است، ویران نماید، شرایط اروپا و جهان طوری رقم خورد که به آلمان فرصت طلایی داده شود تا به علاوه پایه‌های مستحکم اقتصادی که دارد، پایه‌های نظامی خود را نیز استحکام بخشد. دلیل این کار آن است که آمریکا از اروپا می‌خواهد به نیابت از آمریکا در برابر روسیه قرار گیرند تا خودش فرصت داشته باشد، از رشد روز افزون چین جلوگیری نماید.

این جا بود که آلمان متوجه شد میدان جهانی برای ظهور آلمان به صفت یک دولت بزرگ نظامی باز شده و با قطع کردن اساسات تجارتهای خود با روسیه، از ساخت صندوق مالی بزرگی به ارزش 100 میلیارد یورو به هدف تقویت و تجهیز اردوی خود خبر داد تا بتواند امنیت خود را حفظ کند. آلمان اعلام نمود که جنگ اوکراین، نمایانگر نقطه تحول است؛ در حدی که حتی طیاره‌ها/هواپیماهای نظامی خود را فرستاد تا در ماحول بحر آرام به گشت‌زنی بپردازند. این اقدام آلمان اشاره قوی بر این است که قدرت نظامی آلمان کم‌کم خود را از محدودیت‌های مابعد جنگ جهانی دوم رها می‌کند.

به این ترتیب، احساس بزرگی در میان مردم آلمان بالا گرفت و آلمان از اقدامات ویژه در قبال اوکراین و حتی در قبال اروپای شرقی سخن گفت و آلمان‌ها از نیاز آماده‌گی در رویارویی با آزمندی‌های امپریالیسم روسیه حرف می‌زنند؛ آزمندی‌هایی که به باور آن‌ها به مرزهای اوکراین خلاصه نخواهد شد.

4. حکومت شولتز، نخست‌وزیر آلمان در جریان طرح استراتژی امنیت ملی به تاریخ 14 جون 2023م، تأکید نمود که آلمان‌ها با این استراتژی موافقت دارند و نماینده‌گان احزاب آلمان در ائتلاف حکومت در جریان طرح مذکور در کنار نخست‌وزیر حضور داشتند؛ به شمول وزیران منتخب از حزب سبز، حزب دموکراتیک آزاد و به علاوه حزب خود شولتز، نخست‌وزیر آلمان (حزب سوسیال دموکرات). این واقعیت بیان‌گر جدیت این تحولات در داخل آلمان و پیامدهای آن در انتقال جرمی از یک موقعیت نظامی و امنیتی

که چندین دهه پس از جنگ جهانی دوم ادامه داشت، به یک موقعیت جدید می‌باشد؛ هرچند احزاب مخالف اتهامات فراوانی را مبنی بر شفاف نبودن این استراتژی، متوجه حکومت نمودند.

5. شاید اظهارات شولتز، نخست‌وزیر آلمان، روند تحول نوین و بزرگ سیاسی آلمان را به خوبی توضیح دهد:

«نخست‌وزیر آلمان تأکید نمود که استراتژی امنیت ملی که حکومت آلمان امروز تصویب نمود، در اوضاع متغیر کنونی نقش مهمی در تضمین امنیت مردم در آلمان خواهد داشت. این سیاست‌مدار سوسیال دموکرات گفت که شورای وزیران آلمان با تصویب این استراتژی تصمیم مهم و غیر معمولی را اتخاذ نمود. شولتز اظهار داشت که محیط سیاست و امنیت آلمان در سایه تهاجم روسیه به اوکراین و بروز خصومت روز افزون با حکومت چین با قوت تمام تغییر نموده است. شولتز هم‌چنین گفت که مسئولیت اساسی دولت این است که بدون هیچ‌گونه کوتاهی در راستای تأمین امنیت شهروندان کار کند. وی به این اشاره نمود که این مسئولیت از طریق استراتژی امنیت که از اصل ویژه امنیت خالص پیروی می‌کند، صورت می‌گیرد. او در ادامه گفت: کوتاهی‌هایی که تا کنون در ترسیم سیاست دفاعی توسط حکومت آلمان صورت گرفته، اینک با دنبال نمودن منهج کلی و فراگیر پیگیری خواهد شد.» (منبع: دویچه‌ویله آلمان، 14 جون 2023م)

6. پیمان‌نامه استراتژی امنیت ملی آلمان ممثل اساساتی است که حکومت آلمان را به جانب تأمین امنیت مردم آن رهنمایی می‌کند. یکی از مهم‌ترین اساسات پذیرفته شده از زمان جنگ جهانی دوم، که در این پیمان‌نامه جای داده شده این است که اردوی آلمان برای قرار گرفتن در برابر تهدیدهای امنیتی دست به عملیات دفاعی می‌زند و به سوی انجام اقدامات فراگیر می‌رود؛ یعنی شامل حمله نیز می‌شود و باید دانست که این یک پیشرفت بزرگ و خطرناکی در اروپا به شمار می‌رود. پیمان‌نامه مذکور از رشد فراگیر و سریع اردوی آلمان بحث می‌کند.

بنابراین علاوه تأکید روی پایبندی به تصامیم پیمان ناتو در سال 2014م مبنی بر هزینه کردن حد اقل 2% از درآمد ملی برای اردو و امنیت، آلمان سعی دارد سایر وزارت‌خانه‌ها را طوری تجهیز نماید که بودجه خود را به نفع اردو کاهش دهند و این نیز در کاستن از مفکوره آسایش آلمان یک تغییر بزرگ محسوب می‌شود؛ چنانچه کریستیان لیندner، وزیر مالیة آلمان در اظهاراتی گفت: «آلمان برای چندین دهه "با درآمد صلح" به سر برده است. این بدان معناست که آلمان همواره این مفکوره را ترویج می‌کرد که نیازی به توجه زیاد به مسأله دفاع نیست. وزیر مالیه در جریان ارائه استراتژی فوق‌الذکر در برلین گفت: این بدان معناست که سهمیه‌ها در بودجه به گونه دوام‌دار تغییر خواهد نمود.» (منبع: دویچه‌ویله آلمان، 16 جون 2023م)

7. پیمان‌نامه مذکور هم‌چنین نظریه حکومت آلمان را در تحلیل و تجزیة خطرهای تمثیل می‌کند و اردوی روسیه چنانکه آنان تعبیر می‌کنند؛ تهاجم روسیه به اوکراین، در رأس خطرهای خارجی قرار دارد. سپس در درجه پایین‌تر، قرار گرفتن در برابر رشد چین و نظام حاکم در آن، نظامی که در غرب آن را نظام خودکامه و مستبد می‌خوانند، چنانکه در اظهارات شولتز از آن یاد شد: «ظهور خصمانه روزافزون حکومت چین».

پیمان‌نامه‌ی یاد شده از خطرهای داخلی مانند امنیت سایبری، خطر تهدید زیربنای‌های آلمان و تغییر آب و هوا نیز غافل نشده، هرچند این مسائل، مستقیماً با تهدیدهای خارجی ربط دارد؛ چنان‌که روسیه را متهم می‌کنند که دست به حملات سایبری در دولت‌های غربی می‌زند و هم‌چنین هماهنگی‌های جهانی به هدف کاستن از خطرهای تغییر آب و هوا، به این معنا که استراتژی امنیت ملی آلمان بیان‌گر انتقال آلمان از یک وضعیت به وضعیت دیگری در سیاست خارجی آن می‌باشد؛ هرچند برخی شک و گمان‌ها بالای مفکوره‌ی سیاسی آلمان هنوز تسلط دارد.

8. آلمان با تقویت اردویش و نیز با مجهز نمودن آن از طریق افزایش سرسام‌آور بودجه‌ی نظامی و هم‌چنین با گشودن راه به سوی اقدامات نظامی در بیرون به شمول اقدامات تهاجمی، خود را از قید و بندهای تحمیل شده‌ی نظامی که به محدودیت‌های بعد از جنگ جهانی دوم مشهور می‌باشد، رها نموده، یعنی محدودیت‌های مذکور دیگر به گذشته پیوسته است. این واقعیت جدید، اختلافات بزرگ و جوهری را میان آلمان و فرانسه بر می‌انگیزد؛ اختلافاتی که امروزه از چشم کسی پوشیده نیست؛ هرچند آلمان هم‌چنان به معاهده‌ی عدم گسترش سلاح هسته‌ای پایبند بوده و حالت غیر هسته‌ای بودن خود را حفظ کرده و این وضع خود را در سال 1990م در "معاهده‌ی حل و فصل نهائی مربوط به آلمان"، مجدداً تأیید نمود؛ معاهده‌ای که در هنگام توحید آلمان در همان سال توسط چهار دولت بزرگ به امضا رسید.

برای درک بهتر تغییرات اخیر در آلمان باید گفت که تقویت اردوی آلمان، مستلزم افزایش تعداد سربازان آن می‌باشد و این مخالف تعهد آلمان در "معاهده‌ی حل و فصل نهائی مربوط به آلمان" می‌باشد که در سال 1990م برای متحد کردن آلمان توسط چهار دولت بزرگ امضا گردید. در معاهده‌ی مذکور تعداد سربازان اردوی آلمان مشخص گردید که نباید از 370 هزار سرباز فراتر رود. اما تحریک نمودن آلمان توسط امریکا و انگلیس برای بازی نمودن نقش جدیدی در رویارویی با روسیه، به آلمان فرصت خواهد داد پای خود را از حدود معاهده‌ی مذکور فراتر بگذارد و این به معنای خروج آلمان از قید و بندهای روسیه علیه قدرت نظامی آن می‌باشد. اما موقف فرانسه در برابر روی کردهای امریکا و انگلیس در تقویت آلمان، ضعیف به نظر می‌رسد؛ در حدی که حتی ممکن است اختلافات روزافزون میان آلمان و فرانسه باعث شود تمام اروپا از هم بپاشد؛ چیزی که امریکا و انگلیس از آن استقبال می‌کنند.

9. برای کاستن از نگرانی‌های فرانسه، مخصوصاً از رشد نظامی آلمان، استراتژی آلمان، این دولت را بخشی از اتحادیه‌ی اروپا خوانده می‌گوید: «حکومت در این استراتژی، چند هدف را مشخص نموده، مانند نیاز به استحکام دفاع تکنولوژیکی در سطح اروپا، تقویت مبارزه با تجسس، تخریب و حملات سایبری. به علاوه‌ی نیاز به هماهنگی اصول صدور سلاح در سطح اتحادیه‌ی اروپا.» (منبع: دویچه‌ویله، 16 جون 2023م) اما این مسأله از یک زاویه‌ی دیگر، نوع دیگری از نگرانی‌ها را برای پاریس به بار می‌آورد، به ویژه با توجه به این که استراتژی‌های اروپا معمولاً از برلین صادر می‌گردد؛ زیرا آلمان، برنامه‌ی دفاع هوایی اروپا را رهبری می‌کند: «استراتژی جدید آلمان را منحیث بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نفوس اروپا معرفی می‌نماید و بر این اساس انتظار می‌رود در تقویت منظومه‌ی دفاعی اروپا و پیمان ناتو سهم فعال داشته باشد. در استراتژی به تمایل آلمان در بازی کردن نقش رهبری کننده در اتحادیه اشاره شده، مخصوصاً که آلمان در تلاش ساختن سپر موشکی اروپا موسوم به "اسکای شیلد" است و بیستوریوس وزیر دفاع آن اعلان نمود که تا کنون 18 دولت موافقت ابتدائی خود را در مشارکت کردن در این پیشگامی ابراز نموده اند.» (منبع: الشرق، 17 جون

2023م)

10. در خصوص دیدگاه آلمان نسبت به چین و روسیه به عنوان نظام‌های خودکامه، بربوک، وزیر خارجه آلمان در جریان تشریح استراتژی امنیت ملی آلمان گفت: «این استراتژی در سیاست امنیتی به "سه بُعد مرکزی" متکی می‌باشد که عبارت اند از: دفاع، پایداری و تداوم. دفاع، شامل تقویت اردو، پولیس و حمایت از شهروندان می‌شود. پایداری یا توانایی مقاومت، مربوط به دفاع از "نظام اساسی دموکراتیک و آزاد مان در برابر نفوذ غیر رسمی بیرونی" به علاوه این که باید از "پیامدهای یک‌جانبه در عرصه مواد خام و منابع انرژی" کاسته شود و منابع تامین آن متغیر باشد.» (منبع: دویچه‌ویله، 16 جون 2023م)

روشن است که در این خصوص، آلمان تا حدود خیلی زیادی از سیاست امریکا در کاستن وابسته‌گی به واردات از چین پیروی می‌کند؛ چنان‌چه امریکا، آلمان و تمام اروپا را وادار نموده بسیاری از رشته‌های واردات انرژی خویش را از روسیه قطع کنند. این مسأله با صراحت و بدون هیچ نوع پوشیدگی در اظهارات آلمان‌ها مشاهده می‌شود؛ چنان‌که به گفته منبع فوق؛ شولتز، نخست‌وزیر آلمان گفته: «ارتباط با اتحادیه اروپا و ائتلاف با آتلانتیک برای ما یک مسأله اساسی است.»

#### 11. به این ترتیب، ابعاد این استراتژی امنیت ملی آلمان را می‌توان به گونه ذیل خلاصه نمود:

الف) این استراتژی، محدودیت نظامی اعمال شده علیه آلمان از زمان پایان جنگ جهانی دوم را به گونه چشم‌گیری کاهش داد؛ چنان‌که آلمان با گام‌های استوار به جانب تقویت اردوی خود و تبدیل نمودن آن به ضامن امنیت خویش در حرکت است؛ اما آلمان این محدودیت‌ها را با فراهم شدن شرایط جهانی درهم می‌شکند و به عنوان دولتی که پیمان عدم انتشار سلاح هسته‌ای را امضا نموده، باقی می‌ماند.

ب) آلمان در هماهنگی با شرایط بین‌المللی غرب، دشمن‌های خود را تعریف می‌نماید و بر اساس این شرایط؛ اردوی روسیه دشمن درجه اول و از چین در درجه دوم دشمن آلمان خوانده شده است. استراتژی آلمان، چین را یک شریک تجاری و در عین حال دولتی می‌داند که به جانب اطراف آلمان دیدگاه خصمانه روزافزون دارد؛ اما نمی‌خواهد همکاری‌هایش را با چین در حل مشکلات بین‌المللی لغو نماید. موقف آلمان در این خصوص دقیقاً همان موقف اعلام شده گروه هفت دولت بزرگ است.

ج) آلمان به عنوان یک دولت عضو در اتحادیه اروپا و نیز عضو ناتو، چالش‌های امنیتی و نظامی ماحول خود را تعریف می‌کند؛ چنان‌که استراتژی جدید آلمان تأکید دارد که آلمان به همکاری با نمایندگان اروپایی و جهانی پایبند است.

د) هرچند این استراتژی جدید تأکید دارد که آلمان بخشی از اروپا و دولت‌های ناتو می‌باشد، امنیت خود را بخشی از امنیت جمعی منظومه اروپا و منظومه آتلانتیک می‌داند و تأکید دارد که از نظام جهانی به رهبری امریکا حمایت می‌کند. اما هیچ یک از این ادعاها از حجم خطر این استراتژی آلمان کم نمی‌کند و نیز این حقیقت را نادیده نمی‌گیرد که این استراتژی در حقیقت یکی از خسارت‌های بزرگ جهانی است که به مسکو وارد گردیده، درست مانند پیوستن سویدن و فنلند به پیمان ناتو.

ه) آلمان در جریان سه دهه گذشته از موقعیت خود در داخل اتحادیه اروپا برای برجسته کردن نقش رهبری کننده خویش در مسائل اقتصادی استفاده نمود و این نخستین گام آلمان به سوی تبدیل شدن به قدرت بزرگ بود. اینک نیز دارد از جنگ اوکراین و شرایط جهانی که به وجود آمده استفاده می‌کند تا اردوی نیرومند و پایگاه نظامی صنعتی تشکیل دهد تا دومین گامش به سوی تبدیل

شدن به قدرت بزرگ باشد. پس از گذاشتن این دو گام، آلمان قادر خواهد بود خود را از سایر قید و بندها رها نموده و استراتژی مستقل از دولت‌های اروپا و نیز امریکا بسازد. هرچند انتظار نمی‌رود آلمان در کوتاه‌مدت به این اهداف دست یابد؛ اما حوادث نشان می‌دهد که آلمان در همین مسیر در حرکت است.

12. در پایان باید گفت که دولت‌های بزرگ جهان امروز در ریختن خون بی‌گناهان، ظلم و تجاوز، گسترش فساد در زمین، نابود کردن انسان‌ها و نباتات با یکدیگر رقابت می‌کنند. این وضعیت نابسامان بشر هرگز سامان نخواهد یافت، مگر زمانی که نور خلافت یک‌بار دیگر بر زمین بتابد تا امنیت و آرامش را نه تنها برای مسلمانان؛ بلکه تمام کسانی که زیر سایه آن قرار می‌گیرند، به بار آورد. آن‌گاست که فریاد حق، سراسر جهان را فرا خواهد گرفت:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ [اسراء: 81]

ترجمه: و بگو حق آمد و باطل نابود شد؛ بدون شک باطل نابود شدنی است.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا﴾ [اسراء: 51]

ترجمه: و می‌گویند کی خواهد بود؟ بگو: چه بسا نزدیک باشد.

5 ذی الحجة 1444 هـ.ق.

23 جون 2023 م.

مترجم: عبدالله دانشجو